

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۵، ش ۲ (پیاپی ۳۸)، تابستان ۱۴۰۳

صص: ۶۹-۴۳

شاپا: ۲۲۵۱-۸۴۸۷

بررسی استعاره‌های مفهومی در روایت‌های نویسندگان زن از دفاع مقدس (مطالعه‌ی موردی کتاب‌های نورالدین پسر ایران، لشکر خوبان، دا، دختر شینا)

تورج دشمن‌زیاری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

دکتر سید محمود سید صادقی (نویسنده‌ی مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

دکتر سید احمد حسینی کازرونی

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

چکیده

ماهیت رویکردهای شناختی به مسأله زبان و ادبیات، از دو دهه‌ی گذشته به این طرف تغییر کرده و نویسندگان ما به تبع آن کارکرد متفاوتی برای استعاره قائل شده‌اند که بر اساس آن، استعاره دیگر به‌منزله‌ی یک صنعت ادبی یا یکی از صور خیال نیست، بلکه در نظام شناختی بشر، یک فرایندی فعال به حساب می‌آید. اهمیت استعاره دیگر منوط به کاربرد کلمه، عبارت یا جمله نیست؛ بلکه هر استعاره‌ای یک مدل فرهنگی در ذهن به وجود می‌آورد که زنجیره‌ی رفتاری بر اساس آن طراحی می‌شود. بر اساس این دیدگاه، استعاره‌ی شناختی یا مفهومی بر اساس نیاز بشر به درک و بازنمایی پدیده‌ها و با تکیه بر ساخت واژه‌ها و اطلاعات قبلی ساخته می‌شود و در جریان تفکر، نقش مهمی ایفا می‌کند. بنابراین، تعاریف، استخراج و بررسی این نوع استعاره‌ها از هر متنی باعث می‌شود که برداشت ما از جهان ذهنی گوینده، دقت و عمق یابد. نویسنده در این پژوهش به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌ای به بررسی استعاره‌های مفهومی در روایت‌های نویسندگان زن از دفاع مقدس (مطالعه‌ی موردی کتاب‌های نورالدین پسر ایران، لشکر خوبان، دا، دختر شینا) پرداخته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که در آثار دفاع مقدس، انواع استعاره‌های مفهومی با حوزه‌های مبدأ و نگاشت‌های مشخص به کار رفته است که قدرت تخیل و عیار تفکر ذهنی نویسندگان این‌گونه آثار را مشخص می‌کند. همچنین نویسنده درصدد پاسخگویی به این پرسش‌هاست که چگونه می‌توان، تفاوت مفهوم‌سازی‌های زنانه از جنگ را در قالب نظریه‌ی استعاره مفهومی و طرح‌واره‌ها بررسی کرد؟ و در شکل‌گیری استعاره‌های مفهومی در روایت‌های زنانه از چه حوزه‌های مبدأ استفاده شده است.

واژگان کلیدی: استعاره‌های مفهومی، طرح‌واره‌های فرهنگی، روایت زنانه، دفاع مقدس

۱- مقدمه

زبان در زبان‌شناسی شناختی، وسیله‌ای برای نمایان ساختن ساختار نظام شناختی انسان است. در سه دهه‌ی گذشته، این رویکرد، بسیار مورد عنایت زبان‌شناسان قرار گرفته، به نحوی که به زبان به‌عنوان نمودی از نظام تصویری ذهن نگریسته شده است. استعاره در زبان‌شناسی شناختی، پدیده‌ای است شناختی به نحوی که هرچه در زبان آشکار می‌گردد؛ فقط نمود آن پدیده‌ی شناختی محسوب می‌شود. به نظر زبان‌شناسان شناختی، استعاره در واقع هرگونه تصورات و ادعاهای ذهنی است که در قالب تصورات عینی نمایان می‌شود. رویکرد زبان‌شناسی شناختی در واقع مطالعه و شناخت زبان است و به بررسی رابطه‌ی میان ذهن و زبان انسان و تجربه‌های فیزیکی و اجتماعی او می‌پردازد. به زبان دیگر در زبان‌شناسی شناختی، تلاش شده است تا مطالعه‌ی زبان بر اساس تجارب انسان از جهان و نحوه‌ی درک و دریافت مفهوم‌سازی باشد. با مطالعه‌ی زبان، می‌توان به اندیشه و افکار انسان‌ها و حقیقت و ماهیت آن پی برد. در این بینش فرض بر این است که زبان، ویژگی‌های ذهن را نمایان و همچنین الگوی اندیشه‌های انسان است.

زبان‌شناسی شناختی درباره‌ی زبان، ارتباط و شناخت است و اینکه زبان و شناخت یکدیگر را می‌سازند. یکی از کانونی‌ترین محورهای مطالعه در رویکرد معنا بنیاد در مطالعه‌ی زبان، استعاره است به طوری که مهم‌ترین تحوّل در زبان‌شناسی شناختی را می‌توان توجه به استعاره دانست.

از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، «استعاره، درک یک حوزه‌ی مفهومی بر اساس حوزه‌ی مفهومی دیگر است. به عقیده‌ی معناشناسان شناختی، استعاره‌ی مفهومی شامل دو حوزه‌ی مبدأ و حوزه‌ی مقصد است. حوزه‌ی مبدأ حوزه‌ای مفهومی است که به کمک آن حوزه‌ی مفهومی، مقصد را درک می‌کنیم. در نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی میان استعاره‌ی مفهومی و استعاره‌ی زبانی نیز تمایز گذاشته می‌شود. استعاره‌های زبانی واژگان و عبارتهای زبانی هستند که دامنه‌ی مفهومی ملموس‌تر را در زبان پدیدار می‌سازند.» (کوچش، ۱۳۹۳: ۴).

در زبان‌شناسی شناختی، به زبان به‌عنوان یک وسیله برای آشکار ساختن ساختار نظام شناختی انسان توجه شده است. زبان‌شناسان شناختی معتقدند که استعاره، یک پدیده‌ای شناختی است و آنچه در زبان نمایان می‌گردد، فقط نمود این پدیده‌ی شناختی می‌باشد. در زبان‌شناسی شناختی، تلاش گردیده تا مطالعه و شناخت زبان بر اساس تجربیات ما از جهان اطرافمان، شیوه‌ی درک و نحوه‌ی مفهوم‌سازی باشد؛ پس مطالعه‌ی زبان از این نگاه، مطالعه‌ی الگوهای مفهوم‌سازی است.

طرح‌واره‌ها مجموعه‌ای از الگوها، نقشه‌ها، رفتارها، و سنت‌هایی هستند که افراد یا

گروه‌ها در یک جامعه بر اساس فرهنگ و ارزش‌های خود به آنها عمل می‌کنند. این طرح‌واره‌ها می‌توانند شامل رفتارهای اجتماعی، عقاید، ارزش‌ها، آیین‌ها، و سنت‌های مختلف باشند که در قالب تاریخ، زبان، هنر، و دیگر جنبه‌های فرهنگی یک جامعه شکل می‌گیرند.

این طرح‌واره‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت و تفاوت‌های فرهنگی مردم یک منطقه یا کشور دارند و از آنجا که از نظر بهترین راهبردهای رفتاری مردم در جامعه بر اساس مقررات و ارزش‌های فرهنگی تعیین می‌شود، تاثیر مستقیمی در رفتار و عملکرد افراد دارند.

۱-۱- بیان مسئله

در خصوص اهمیت و جایگاه استعاره آمده است که زبان بدون استعاره نیست و ما در محاورات روزانه خود بسیار از استعاره استفاده می‌کنیم به نحوی که اصلاً متوجه کاربرد آن نیستیم. «در واقع استعاره‌ها بخش گریزناپذیری از زبان ما هستند که بررسی آنها باعث روشن شدن تفکر، اندیشه و نگرش افراد نسبت به آن پدیده می‌شود. ما برای بیان موضوعات انتزاعی مثل زمان، زندگی، مشکلات و مسائل و پدیده‌های حائز اهمیت و پیچیده از استعاره استفاده می‌کنیم. یکی از این پدیده‌های پیچیده، جنگ است. در طول تاریخ، همواره، جنگ یکی از تغییرات عظیم اجتماعی بوده است که باعث ایجاد حرکت، تحول و زایش در فرهنگ، زبان، سنت‌ها و باورها بوده است. جنگ باعث ایجاد تحول در ادبیات هر سرزمین می‌گردد و در واقع جنگ، باعث ایجاد فصلی جدید در ادبیات می‌شود و می‌تواند بازتاب نگاه افراد آن مرز و بوم نسبت به این مسئله باشد؛ لذا تحلیل استعاره‌های مربوط به این پدیده در ادبیات جنگ به درک هر چه بهتر ما از جنگ کمک می‌کند. در واقع مسئله پیش روی این پژوهش، این است که بداند، استعاره‌هایی که در روایت‌های نویسندگان زن از دفاع مقدس به کار رفته چه تصویری از پدیده جنگ و دفاع را نشان داده است و نگرش کلی نسبت به ابعاد مختلف آن چیست» (استاجی، ۱۳۹۷: ۳). این پژوهش بر آن است که از طریق استعاره به تصویرسازی‌هایی که نویسندگان زن از دفاع مقدس و مسائل مربوط به آن نظیر دشمن، نیروی خودی، ابزارآلات جنگی، فضای جنگ، مرگ، آثار جنگ و... دارند، دست یابد و در واقع به دنبال مسئله قطبی‌سازی موضوع است که بداند آیا نگاه به نیروی خودی مثبت و توصیف و نگرش به نیروی دشمن منفی است و روشن می‌کند که از چه حوزه‌های مبدایی برای نیروی خودی و نیروی دشمن استفاده شده است و چقدر این حوزه‌ها متأثر از فرهنگ می‌باشد؟ در همین راستا، پژوهش

حاضر بر آن است تا با توجه به دستاوردهای تحقیقات انجام شده در رابطه با زبان‌شناسی اجتماعی شناختی در چارچوب معناشناسی شناختی با بررسی استعاره‌ها و طرح‌واره‌های موجود در روایت‌های نویسندگان زن از دفاع مقدس (مطالعه‌ی موردی کتاب‌های نورالدین پسر ایران، لشکر خوبان، داه، دختر شینا)، به خوانش دقیق‌تری از تفاوت دیدگاه جنسیتی نسبت به جنگ دست یابد و ساحت‌های تازه‌ای از معنای ذهنی-شناختی جنگ را با اتکا به رویکرد نظری استعاره و طرح‌واره شناختی آشکار سازد. محقق در پی پاسخگویی به این پرسش‌هاست که چگونه می‌توان، تفاوت مفهوم‌سازی‌های زنانه از جنگ را در قالب نظریه‌ی استعاره مفهومی و طرح‌واره‌ها بررسی کرد؟ و در شکل‌گیری استعاره‌های مفهومی در روایت‌های زنانه از چه حوزه‌های مبدأ استفاده شده است؟

۱-۲- پیشینه تحقیق

- شریف پور و لشکری (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش زنان در چند داستان کوتاه دفاع مقدس» به تحلیل و بررسی نقش زن در چند داستان کوتاه دفاع مقدس از دیدگاه جامعه شناختی پرداخته است. زنان بر اساس نقش هایشان در این داستان‌ها، دسته بندی شده اند و برای هر نقش، نمونه‌ای از داستان‌های کوتاه آورده شده است. در این مقاله، داستان‌های کوتاه دفاع مقدس به دو دوره‌ی زمانی تقسیم می‌گردد و زنان، نقش‌های خاصی را در هر یک از داستان‌ها دارند که این نقش‌ها، در هر دوره به طبقه‌های مختلفی تقسیم شده است.

- مقدادی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی نقش زنان در ادبیات جنگ برای کودک از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی» با بررسی ده داستان در حوزه ادبیات دفاع مقدس، نابرابری جنسی در ادبیات جنگ برای کودکان را مورد بررسی قرار داده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که چگونه این ادبیات با گرایشی مردگرایانه موجب شده است که نقش زنان در جنگ نادیده گرفته شوند و حضوری منفعل و منفک از مسئله جنگ در آنها نشان داده شده است.

- اولیایی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود با عنوان «بازتاب جنگ هشت ساله در خاطرات زنان ایرانی در دوره پسا جنگ بر مبنای رویکرد شناختی لیکاف» به بررسی بازتاب جنگ هشت‌ساله در خاطرات زنان ایرانی پرداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد، زنان در خاطرات خود بیش‌تر به مسائل معنوی و عاطفی در جنگ توجه نشان داده‌اند، از حیث حضور در جنگ، تفاوتی میان زن یا مرد بودن قائل نبوده‌اند و خود را تا حدی کنشگری فعال دیده‌اند و به نظر می‌رسد از این جهت که هر دو نویسنده در بیمارستان پشت

جبهه خدمت کرده‌اند، بیش‌تر به ایثار رزمندگان مرد توجه نشان داده‌اند و به کنشگری و رزم‌آوری مردان چندان نپرداخته‌اند.

- فراگردی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی استعاره از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی در ادبیات داستانی جنگ ایران و عراق» با بررسی ۲۰ کتاب با موضوع جنگ ایران و عراق، استعاره را در ادبیات داستانی جنگ از منظر رویکرد زبان‌شناسی شناختی مورد بررسی قرار داده‌اند. استخراج داده‌های این پژوهش حاکی از آن است که از یازده حوزه مبدأ در استعاره‌های به کار رفته در گفتمان جنگ استفاده شده است. در بیشتر این استعاره‌ها، نگاه به نیروی خودی مثبت و نگاه به نیروی دشمن منفی است.

- جوادی یگانه و سید صحنی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «روایتی زنانه از جنگ: تحلیل گفتمان کتاب دا» با توجه به روش و نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به تحلیل و بررسی کتاب دا و رابطه آن با گفتمان مسلط جامعه پرداخته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در کتاب دا تلاش گردیده تا دیگر نقش‌های زنان را در جنگ مورد واکاوی قرار داده شود. علاوه بر این، در این کتاب، تلاش شده است تا بر ساخت زبانی زنانه بررسی گردد که در آثار متناظر آن به کار نرفته است.

- معروف (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «استعاره‌های مفهومی شهید و شهادت در شعر دفاع مقدس» به بررسی استعاره در ادبیات دفاع مقدس پرداخته است. شعر دفاع مقدس بخش عمده‌ای از ادبیات معاصر را شامل می‌شود و مفهوم شهادت از مفاهیم اصلی و بنیادی شعر دفاع مقدس است. شهید و شهادت در شعر فارسی، چه در گذشته و چه دوران دفاع مقدس با استفاده از اصطلاحات و تعبیرات متفاوتی استعاره‌سازی شده است. مقاله حاضر با استفاده از نظریه «استعاره مفهومی» که یکی از دیدگاه‌های رایج در علوم شناختی است، به بررسی استعاره‌های شهید و شهادت در شعر دفاع مقدس پرداخته است.

- فراگردی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در ادبیات دفاع مقدس به مطالعه عبارات استعاری مبتنی بر نام حیوانات در ادبیات دفاع مقدس بر اساس چهارچوب لیکاف و جانسون پرداخته‌اند. نتایج و یافته‌های این تحلیل نشان می‌دهد که حوزه حیوانات به‌عنوان حوزه مبدأ، یکی از پرکاربردترین حوزه‌های استعاری می‌باشد و بیشترین تعداد اسامی حیواناتی که بالاترین درجه توهین و حیوانیت را به همراه دارند، برای اشاره به نیروی دشمن استفاده شده است؛ اما برای اشاره به نیروهای خودی از تعداد کمی از اسامی حیوانات استفاده شده و این اسامی دارای بار معنایی مثبت می‌باشند.

- علیزاده و روحی کیاسر (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «استعاره‌های مفهومی در شعر

دفاع مقدس» به بررسی استعاره‌های مفهومی یا شناختی در شعر دفاع مقدس پرداخته‌اند و این نکته را گوشزد کرده‌اند که استعاره، ابزار مهمی برای کشف معنای متن است، یعنی باعث آشکار شدن بعضی از نکات مبهم و پوشیده می‌شود.

- قبادی و خان محمدی (۱۳۹۸) در مقاله «استعاره مفهومی در دو رمان مرتبط با دفاع مقدس» به بررسی استعاره مفهومی در دو رمان «زمین سوخته» اثر احمد محمود و «وقتی کوه گم شد» اثر بهزاد بهزادپور پرداخته‌اند. در نهایت بررسی‌ها نشان می‌دهند، استعاره‌های هستی شناختی در رمان زمین سوخته و استعاره‌های هستی شناختی و ساختاری در رمان وقتی کوه گم شد، بسامد بیشتری را دارا هستند. استعاره‌های جهتی در هر دو رمان فراوانی چندانی ندارند. بیشتر عبارات استعاری مرتبط با حوزه دفاع و مقاومت در حوزه مقصد بوده‌اند.

آنچه موجب تمایز تحقیق حاضر با پژوهش‌های یاد شده می‌شود؛ این است که تاکنون هیچ پژوهشی مستقل در رابطه با بررسی استعاره‌های مفهومی در روایت‌های زنانه از دفاع مقدس، صورت نگرفته است؛ بنابراین تحقیق حاضر در این زمینه برای اولین بار صورت گرفته و نوآورانه است.

۱-۳- روش پژوهش

نویسنده در این پژوهش به شیوه توصیفی- تحلیلی و روش کتابخانه‌ای به بررسی بررسی استعاره‌های مفهومی در روایت‌های نویسندگان زن از دفاع مقدس (مطالعه موردی کتاب‌های نورالدین پسر ایران، لشکر خوبان، دا، دختر شینا) پرداخته است.

۱-۴- مبانی تحقیق

۱-۴-۱- ادبیات جنگ

ادبیات جنگ یک شاخه از ادبیات است که به شکل دهی داستان‌ها، شعرها، نمایشنامه‌ها و آثار دیگر متمرکز بر موضوعات و تجارب مرتبط با جنگ می‌پردازد. این نوع ادبیات درگیر با انسانیت در زمان‌های جنگ و تأثیرات آن بر انسان‌ها، جوامع و فرهنگ است. ادبیات جنگ شامل داستان‌ها و شعرهایی درباره جنگ، تأثیرات روانی و اجتماعی جنگ بر افراد، داستان‌هایی از دل‌آوری و شجاعت در مواجهه با جنگ، و نگاهی به مفاهیمی چون صلح، تحمل، و خلاصه‌ای از تجربیات و رویدادهای جنگ می‌باشد.

۱-۴-۲- زبانشناسی شناختی

در خصوص پیشینه زبانشناسی شناختی گفته‌اند: «زبان‌شناسی شناختی ریشه در ظهور علوم‌شناختی جدید در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، به‌ویژه در بررسی مقوله‌بندی در ذهن انسان و روان‌شناسی گشتالت دارد.» (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۳) تأکید زبان‌شناسان شناختی بر این است که «الگوی زبان‌شناختی نه تنها باید به تبیین دانش زبانی افراد پردازد؛ بلکه باید با دانشی که دانشمندان علوم شناختی از حوزه‌های دیگر شناخت به دست آورده‌اند، سازگار باشد.» (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۱۷)

۱-۴-۳- معناشناسی شناختی

معناشناسی شناختی یا معناشناسی شناختی یک حوزه از علوم شناختی است که به مطالعه‌ی ساختاری و عملکرد معنا در ذهن انسان می‌پردازد. این رشته از علوم شناختی تلاش می‌کند تا به دنبال درک عمیق‌تری از چگونگی ایجاد، نگهداری، و استفاده از معنا و مفاهیم در ذهن انسان باشد. معناشناسی شناختی تلاش می‌کند تا مکانیسم‌هایی را که ذهن انسان برای ایجاد و تفسیر معنا و مفاهیم استفاده می‌کند، مطالعه کند. این مطالعات شامل نحوه فرآیند ساخت و فهم معنا، نحوه ذخیره و بازخوانی اطلاعات معنایی، تأثیرات روانی و شناختی معنا بر تصمیم‌گیری و عملکرد انسان و موارد مشابه است. این شاخه از علم معتقد است که:

«تکوین استعاره و مجاز، مفاهیم و گزاره‌ها و مقوله‌بندی‌های ذهنی و زبانی از پدیده‌های جهان، همگی به‌عنوان بخشی از روند کلی شناخت آدمی از جهان خارج محسوب می‌شوند. به بیان ساده در این شاخه از علم، فرایندهای زبانی، زیرمجموعه‌ای از فرایندهای شناختی در معنای عام آن به‌شمار می‌آیند. معنی‌شناسی شناختی، معنی زبان را ساختاری مفهومی معرفی می‌کند که با دیگر رویکردها متفاوت است.» (تالمی، ۲۰۰۰: ۴).

۱-۴-۴- نظریه استعاره مفهومی

نظریه استعاره‌ی مفهومی، یکی از نظریه‌های مهم در زمینه زبان‌شناسی و فلسفه زبان است که بر اساس آن، زبان به عنوان یک سامانه نمادین و معنایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این نظریه به تحلیل استفاده از استعاره‌ها در زبان می‌پردازد و نقش این استعاره‌ها در ایجاد و انتقال مفاهیم و معانی را بررسی می‌کند. این نظریه، اصطلاحی در علوم شناختی است که به فهم یک قلمروی انتزاعی بر اساس قلمروی ملموس اشاره می‌کند. برای مثال «هنگامی که می‌گوییم، عشق آن‌ها به بن‌بست رسیده است؛ از مفهوم «بن‌بست» در قلمروی مفهومی «مسیر» برای درک کیفیت «عشق» که مفهومی انتزاعی است استفاده می‌کنیم» (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۵۸). از نظر زبان‌شناسان شناختی،

«استعاره به هرگونه فهم و بیان تصورات انتزاعی در قالب تصورات ملموس‌تر اطلاق می‌شود.» (سجودی، ۱۳۹۱: ۱۳۹)

۱- ۴- ۵- طرحواره‌های فرهنگی

اگر فرهنگ را «دانش و طرحواره‌های مشترکی که مجموعه‌ای از افراد برای درک، تفسیر، بیان و واکنش نسبت به واقعیت‌های اجتماعی-فرهنگی آن‌ها را خلق می‌کنند.» (رک. لِدِراک، ۱۹۹۵: ۱۰-۹) به حساب آوریم، باید گفت که این طرحواره‌های مشترک و دانش را می‌توان با توجه به مفهوم‌سازی‌های مشترکی که حاصل بازنمایی‌های گروهی‌اند، شرح نمود. از آنجاکه مفهوم‌سازی‌های جمعی بین تمام اعضای یک گروه مشترک می‌باشند، می‌توان آن‌ها را معادل شناخت فرهنگی قلمداد کرد. منظور از شناخت فرهنگی، مفهوم‌سازی‌هایی است که در درون آن‌ها، فرهنگ، نقش اصلی را به عهده دارد، دانشمندان حوزه علم شناختی، بر این عقیده هستند که شناخت فرهنگی، خود را در «استعاره‌های فرهنگی» و «طرحواره‌های فرهنگی» آشکار می‌سازد.

۱- ۴- ۶- روایت‌شناسی شناختی

برخی روایت‌شناسی شناختی را زیرشاخه علم زبان‌شناسی شناختی به‌شمار می‌آورند. «محققان در این علم در تلاش‌اند تا جنبه‌های مربوط به ذهن را در داستان‌ها موردبررسی قرار دهند و با کمک دستاوردهای روشمند علوم شناختی به تحلیلی از دنیای داستان‌ها دست یابند.» (هرمن، ۲۰۰۷)

۱- ۴- ۷- روایت‌های زنانه از جنگ

روایت‌های زنانه از جنگ، دیدگاهی مختلف و متفاوت را ارائه می‌دهند که به تجارب و تأثیرات زنان در زمان جنگ و در محیط‌های جنگی می‌پردازند. این روایت‌ها شامل داستان‌ها، خاطرات، شعرها، رمان‌ها، فیلم‌ها و هر شکل دیگری از ادبیات و هنر است که نگاهی به تجربیات زنان در زمان جنگ دارد. روایت‌های زنانه اغلب به جوانبی از جنگ می‌پردازند که ممکن است در روایت‌های مردانه یا مرکزیت مردانه دیگر دیده نشوند. این شامل تجربیات زنان در جبهه، وظایف خانگی در غیاب مردان، تأثیرات روانی و اجتماعی بر زنان، نقش زنان در انقلاب‌ها یا حتی تأثیرات جانبی از جنگ بر خانواده‌ها و جوامع آنان می‌شود.

۲- بحث و بررسی

بررسی استعاره‌های مفهومی در روایت‌های مردانه از دفاع مقدس

در روایت‌های مردانه از دفاع مقدس، استعاره‌های مفهومی یا نمادها برای انتقال

ارزش‌ها، ایده‌ها، و احساسات به کار می‌روند. این نمادها و استعاره‌ها در روایت‌ها و داستان‌های مردانه از دفاع مقدس، اغلب برای تقویت و ترویج ارزش‌های مورد تأکید و ایجاد ارتباط عمیق‌تر با مخاطبان به کار می‌روند.

به عنوان مثال، استعاره‌هایی مانند شهید، سرافرازی، و وفاداری ممکن است به عنوان نمادهای اصلی در روایت‌های مردانه از دفاع مقدس به کار روند. این استعاره‌ها نقش مهمی در ایجاد افکار، احساسات و ارتباط با مفاهیمی مانند مقاومت، ایمان، و انسجام اجتماعی دارند.

همچنین، تصاویری از رهبران یا شخصیت‌های قهرمان در روایت‌ها ممکن است به عنوان نمادهایی از ولایت، قدرت، و شجاعت معرفی شوند. استفاده از این نمادها و استعاره‌ها می‌تواند اثربخشی بیشتری در انتقال پیام‌های فرهنگی و تاریخی دفاع مقدس داشته باشد و ارتباط عمیق‌تری را بین مخاطبان و محتوا ایجاد کند.

در ادامه استعاره‌های به کار رفته در گفتمان جنگ در هفت حوزه‌ی اعضای بدن، جان‌بخشی، حیوانات، اعتقادات مذهبی، آموزش و مدرسه، تجارت و دادوستد و ورزش بررسی شده و در هر حوزه به استعاره‌های هسته یا کلان آن حوزه نیز اشاره گردیده است.

۲-۱- اعضای بدن

از آنجا که دسترسی انسان‌ها به بدن خود بی‌واسطه و بدن، ابزار اصلی کنش انسان در طبیعت است، در بسیاری از استعاره‌های مفهومی، انسان‌ها برای درک امور انتزاعی، از مفاهیم مربوط به بدن استفاده کرده‌اند. از طرفی همه‌ی انسان‌ها چیزهای مشابهی را پیرامون بدنشان تجربه می‌کنند؛ بنابراین، بدن به‌عنوان استعاره‌ی ادراکی، همگانی است. البته، درجه و سلسله‌مراتبی در استفاده از این استعاره‌ها با توجه به محیط زبانی و فرهنگی که استفاده می‌شود، دارد. در بسیاری از استعاره‌های مفهومی، برای درک امور ذهنی، از مفاهیم مربوط به اعضای بدن بهره برده می‌شود؛ بنابراین بدن به‌عنوان استعاره‌ی ادراکی، همگانی است. استعاره‌هایی که از اعضای بدن به‌عنوان حوزه مبدأ استفاده می‌شود؛ مرتبط با فرهنگ است؛ یعنی بین استعاره، فرهنگ و زبان ارتباط سه‌جانبه برقرار شده است. بررسی داده‌ها، حاکی از آن است که بیست و یک مورد از استعاره‌های مربوط به اعضای بدن در گفتمان جنگ استفاده شده است. بیشتر این عبارات استعاری، کاربرد اصطلاحی دارند و قابل تفسیرند. در جدول زیر به‌تمامی استعاره‌های به کار رفته در این قسمت به همراه معانی آنها اشاره شده است که به‌صورت اصطلاح درآمده‌اند و بیشتر این اصطلاحات کاربرد عامیانه پیدا کرده‌اند و در بافت فرهنگی قابل فهم می‌باشند.

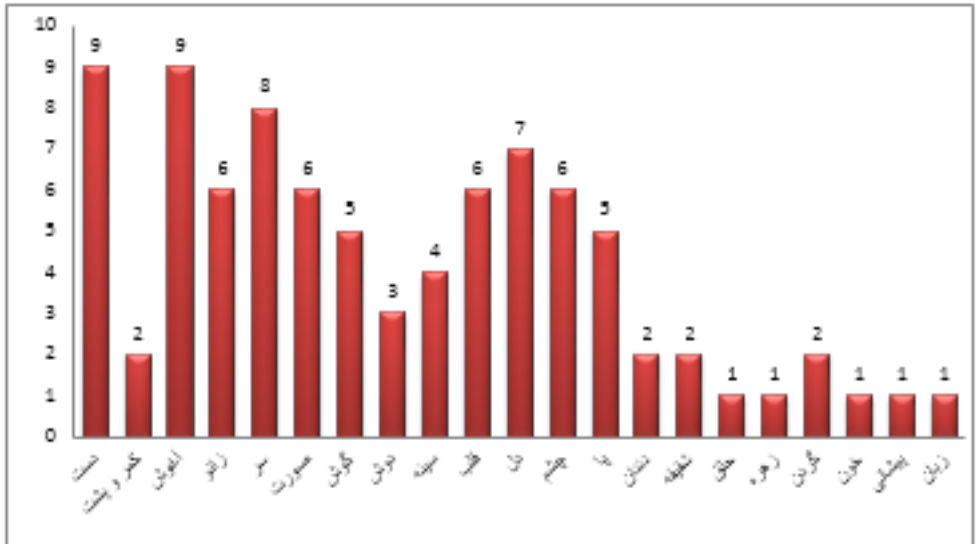
جدول (۱) استعاره اعضای بدن در روایت‌های زنانه

ردیف	استعاره	فراوانی	مثال
۱	دست	۹	دستمون مونده بود تو حنا(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۲۷)
۲	کمر و پشت	۲	بچه‌ها عراقی‌ها را از پشت قیچی کردند. (سپهری، ۱۳۹۱: ۴۱۰)
۳	آغوش	۹	گرمی آغوشش، مهربانی صدایش، محبتی که با فشار دستانش می‌خواست به من منتقل کند(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۵۷)
۴	زانو	۶	کمر و زانوهایش خمیده بود(حسینی، ۱۳۸۷: ۲۶)
۵	سر	۸	عجب سر نترسی دارد(سپهری، ۱۳۹۱: ۳۹۲)
۶	صورت	۶	صورتش استخوانی و گونه‌هایش بیرون زده بود(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۲۶)
۷	گوش	۵	بچه‌ها را فرستادیم تا سروگوشی آب دهند(سپهری، ۱۳۹۱: ۹۲)
۸	دوش	۳	حدود دو گردان پشت سر ما حرکت می‌کرد و مسئولیت سنگینی بر دوشم بود(سپهری، ۱۳۹۲: ۱۰۹)
۹	سینه	۴	انگار چیزی روی سینه‌ام فشار می‌آورد(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۵۶)
۱۰	قلب	۶	قلبم فشرده می‌شد و غوغایی در دل برپا بود(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۵۷)
۱۱	دل	۵	این چند روز زینب خانم خیلی به دلم نشسته بود.(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۳۵)
۱۲	چشم	۲	چشم‌هایی که همیشه پر از مظلومیت و معصومیت بود (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۵۵)
۱۳	پا	۲	به پایم که ترکش خورده و هنوز مجروح بود تکیه دادم(سپهری، ۱۳۹۱: ۱۹۲)
۱۴	دندان	۱	مطمئن بودم نظر اهل بیت (ع) است که توانسته‌ایم تا این لحظه در برابر دشمن تاندندان مسلح مقاومت کنیم(سپهری، ۱۳۹۲: ۶۹)

۱۵	شقیقه	۲	خورشید در هر غروب به زخم ستاره گون شقیقه‌ات اقتدا می‌کند(حسینی، ۱۳۸۷: ۵۸)
۱۶	حلق	۲	با حلق درد زمزمه بردارم(حسینی، ۱۳۸۷: ۵۱)
۱۷	زهره	۱	از ترس داشتم زهره‌ترک می‌شدیم(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۴۵)
۱۸	گردن	۲	گردنبند از گردنم آویزان شد و اعصابم را خرد کرد(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۲۱)
۱۹	خون	۱	عزیزان به خون خفته(سپهری، ۱۳۹۱: ۴۱۵)
۲۰	پیشانی	۱	دیم گلوله خورد و پیشانی به هم دوخت(سپهری، ۱۳۹۱: ۱۰۸)
۲۱	زبان	۱	اخبار جنگ را از زبان مردم می‌شنیدیم. (حسینی، ۱۳۸۷: ۶۰۸)

در نمونه‌های ارائه شده در بالا، کاربرد استعاری اعضای بدن در گفتمان جنگ مشاهده شد که تفسیر آنها کاملاً وابسته به فرهنگ می‌باشند. از بیست‌ویک عضو به‌عنوان حوزه‌ی مبدأ در استعاره‌های مربوط به گفتمان جنگ استفاده شده است که در اکثر قریب به اتفاق این موارد، این استعاره‌ها کاربردی اصطلاحی پیدا کرده‌اند که تحلیل و تفسیر آنها فرهنگ وابسته می‌باشند. همچنین در استعاره‌های بالا از سه عضو «دل، سینه و قلب» استفاده شده است که در بیشتر موارد می‌توانند به‌جای یکدیگر به کار روند؛ زیرا معنای یکسانی (ابراز احساسات) دارند. در این حوزه از عضوی که بیشتر در کاربرد استعاری آن استفاده شده بود و شاید بتوان آن را به‌عنوان هسته قرار داد، واژه «دست و آغوش» می‌باشد. با توجه به بررسی انجام شده، فراوانی کاربرد استعاره، کاربرد اعضای بدن در داستان‌هایی با روایت زنانه ۸۷ مورد می‌باشد که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره (دست، آغوش) می‌باشد.

نمودار (۱) نمودار فراوانی کاربرد استعاره اعضای بدن در زنان



۲-۲- جان‌بخشی

استعاره مفهومی جان‌بخشی، نمادی از عملیات و فعالیت‌هایی است که به انسان‌ها یا موجودات دیگر کمک می‌کند تا زندگی وجودی خود را حفظ یا احیا کنند. این استعاره معمولاً به فعالیت‌ها، رویدادها یا مفاهیمی که به نحوی موجب حفظ یا بازسازی زندگی می‌شوند، اشاره دارد.

در ادبیات و زبان، استعاره‌ی مفهومی جان‌بخشی می‌تواند به مفاهیمی چون عشق، مهربانی، مراقبت، وفاداری یا کمک به دیگران اشاره کند. استعاره مفهومی جان‌بخشی می‌تواند در قالب اعمال انسانی نمایان شود که به دیگران در مواقع بحرانی، نیازمندی‌های اساسی یا در مواجهه با خطرات زندگی، کمک می‌کند. این نماد نشان دهنده ارزش‌های انسانی از جمله مهربانی، همدلی و احترام به زندگی و سلامتی دیگران است.

در بررسی داده‌ها، مشاهده شد که تعدادی از استعاره‌ها در گفتمان جنگ به صورت جان‌بخشی به اشیاء و پدیده‌ها مورد استفاده قرار گرفته است که در اکثر آنها، ابزارآلات جنگی جان‌بخشی شده‌اند. در جدول زیر به انواع اشیاء و پدیده‌هایی که به صورت استعاره‌ی در این حوزه، مورد استفاده قرار گرفته به همراه ذکر نمونه‌ای از هر کدام اشاره شده است. لازم به ذکر است که این نمونه‌ها صرفاً استعاره‌ی مکنیه‌اند و همه نمونه‌ها، تحت پوشش

استعاره مفهومی قرار نمی‌گیرند.

جدول (۲) استعاره جان‌بخشی در روایت‌های زنانه

ردیف	استعاره	فراوانی	مثال
۱	گلوله	۱۴	گلوله‌های بر زمین نشستند (سپهری، ۱۳۹۸: ۱۷۳)
۲	خمپاره	۹	صدای خمپاره‌ها در بیمارستان به گوش می‌رسید (ضرابی زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۲)
۳	ترکش	۶	ترکش‌ها جای سالم در بدنش نگذاشته بودند (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۲)
۴	سنگر	۶	سنگرها یکی پس از دیگری فروریختند (سپهری، ۱۳۹۰: ۲۳۱)
۵	شنی	۱	شنی تانک‌ها فریادکنان نزدیک می‌شد (ضرابی زاده، ۱۳۹۰: ۱۷۲)
۶	تیراندازی	۵	صدای گلوله امانان را بریده بود (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۶)
۷	جنگ	۸	جنگ حرف‌ها داشت برای کودکان بی‌پناه... (سپهری، ۱۳۹۸: ۲۰۵)
۸	آبادان	۳	شهر (آبادان) با گوشت و پوستش جنگ را حس کرده بود (سپهری، ۱۳۸۴: ۱۱)
۹	اتوبوس	۳	اتوبوس زوزه کشان ایستاد (ضرابی زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۳)
۱۰	نخل	۴	نخل‌های بی‌سر هم‌خون‌گریه می‌کردند (سپهری، ۱۳۹۸: ۲۴۹)
	مجموع فراوانی	۵۹	

جدول بالا نشان داد که اشیاء و پدیده‌های مختلفی مانند؛ گلوله، ترکش خمپاره، تیراندازی، شنی، جنگ و ... در گفتمان جنگ جان‌بخشی شده‌اند که این ویژگی یکی از ابزارهای استعاره می‌باشد. در این حوزه نیز استعاره هسته یا کلان استعاره، مشاهده نشد. با توجه به بررسی انجام شده، فراوانی کاربرد استعاره، جان‌بخشی در داستان‌هایی با روایت زنانه ۵۹ مورد می‌باشد که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره (گلوله) می‌باشد.

نمودار (۲) نمودار فراوانی کاربرد استعاره جان‌بخشی در زنان



۲-۳- استعاره حیوانات

در زبان فارسی از استعاره‌های حیوانی و از قلمروی حیوانات به‌عنوان حیطة مبدأ، بسیار استفاده شده است. با توجه به اینکه مرتبه انسان، بالاتر از حیوان است، اگر بخواهند شخصیت و ارزش آدمی را تنزل دهند، جایگاه او را با حیوان مقایسه می‌کنند؛ یعنی مرتبه او را با مرتبه حیوان یکسان به حساب می‌آورند و از استعاره «انسان حیوان است.» استفاده می‌کنند. با استفاده از این استعاره‌های حیوانی، ویژگی‌های نامطلوب و صفات ناپسند انسان مثل: حماقت، نادانی و جهالت و... نشان داده می‌شود. این استعاره‌ها، شناختی- فرهنگی‌اند؛ یعنی نه تنها آن‌ها ریشه‌های شناختی دارند؛ بلکه در هر فرهنگی، معنای خاصی دارد و با توجه به ارزش‌ها و اعتقادات آن فرهنگ، تفسیر می‌شوند که ممکن است از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت باشد. لازم به ذکر است که از حیوانات، فقط برای نمایان ساختن عادات و رفتارهای ناپسند و منفی انسان‌ها استفاده نمی‌شود؛ بلکه گاهی از قلمروی حیوانات برای ویژگی‌ها و صفات خوب انسانی هم استفاده می‌شود.

در ادبیات جبهه و جنگ، حوزه حیوانات، پرکاربردترین حوزه‌های مبدأ می‌باشد. با توجه به این مسئله که حیوانات دارای بیش-ترین نماد فرهنگی هستند، نویسندگان، تلاش کرده‌اند تا دیدگاه خود را که برخاسته از توافق همگانی جامعه نسبت به آن حیوان است، نشان می‌دهند؛ در حقیقت، دیدگاه مردم و جامعه نسبت به هر حیوانی، باعث ایجاد معنای مثبت و منفی نسبت به آن حیوان می‌شود. تفکر استعاری نویسندگان جبهه و جنگ که ناگزیر رنگ و بوی فرهنگی به خود می‌گیرد و به درک خواننده از متون دفاع مقدس، کمک می‌کند. در آثار مربوط به ادبیات جبهه و جنگ برای نشان دادن فضایل

رزمندگان و رذایل دشمن از حیوانات مختلفی استفاده شده است که با کمک این نوع استعاره‌های مفهومی، تفکر و نگرش نسبت به نیروهای خودی و دشمن مشخص می‌شود. در بررسی داده‌ها مشاهده می‌شود که در همه نوشته‌های مربوط به گفتمان جنگ از حوزه حیوانات به عنوان حوزه مبدأ استفاده شده است. تعداد حیوانات به کاررفته، پانزده حیوان است که بیشتر برای اشاره به نیروی دشمن به کار می‌رود؛ یعنی حدود هفت اسم حیوان برای دشمن و چهار حیوان دیگر برای اشاره به نیروی خودی و چهار حیوان برای ابزارآلات جنگی استفاده شده است. نویسندگان ویژگی‌های بد و منفی حیوانات را برای اشاره به ویژگی‌های ناپسند دشمن به کار می‌برند و از ویژگی‌های مثبت حیوانات و همچنین آن‌هایی که بار حیوانیتشان کمتر است، برای توصیف رزمندگان و نیروهای خودی استفاده می‌شود؛ بنابراین کاربرد نام حیوانات هم برای توصیف دشمن و هم برای نشان دادن نیروهای خودی و ابزارآلات جنگی استفاده می‌شود.

۱- سگ؛ با توجه به کاربرد آن در متن، معانی کنایی زیر را در به خود می‌گیرد: ولگردی و بی‌ارزش بودن. (مثل سگ ولگرد). سپیده سرزده بود و به‌وضوح می‌توانستم سگ‌هایی را که در منطقه می‌گشتند ببینم.

۲- جغد؛ در فرهنگ هند و ایران، جغد نحس است. در ایران باستان، جغد، جزو پانزده حیوانی است که اهریمن آن‌ها را آفرید؛ یعنی جانوران درنده‌خو، خون‌خوار و ویرانگر و در عین حال بی‌باک و دزد رفتار؛ بنابراین در فرهنگ ما، جغد نماد مصیبت و بدبختی است. ۳- در فرهنگ ایرانی و قصه‌ها، روباه، نماد انسان مکار و حیله‌گر است. به نحوی که برای بیان این صفت پست انسانی به این حیوان مثل می‌زنند.

۴- گوسفند؛ در امثال الحکم از این حیوان برای اشاره به انسان‌های احمق استفاده می‌شود.

۵- لاشخور- کرکس؛ لاشخوارها، پرنده‌گانی منفور و ترسناک هستند. این واژه برای صفات انسان‌های پلید، به کار می‌رود.

۶- مار؛ به دلیل ظاهر زیبا و باطن شرور و گزنده‌اش، کنایه از نفس انسان است و گاهی نیز به‌عنوان نماد خشم و غضب، هم به کار می‌رود.

۷- گرگ؛ گرگ در فرهنگ فارسی، زاده اهریمن است و نماینده نیروهای شر و خبیث و مظهر آز و بی‌رحمی و مرده‌خواری است و نماد درندگی و بی‌رحمی می‌باشد و در این معنی، بیشتر در تقابل با گوسفند به کار می‌رود.

۸- پرنده؛ نماد پرواز کردن و عروج به آسمان است. پرواز سمبل مطهر بودن و پاک بودن است و شاید به این دلیل است که پرنده به‌عنوان یک حیوان در نظر گرفته نمی‌شود.

پرنندگان به آسمان نزدیک‌ترند و پرواز پرنندگان سمبل ارتباط آن‌ها بین زمین و آسمان است. در یونان، پرنده، پیام‌آور بهشت و ملکوت است، یکی از سمبل‌های معروف پرنندگان این است که آن‌ها نشانه‌ی روح‌اند. در اسلام پرنده، نماد فرشته است؛ بنابراین پرنندگان، روح زندگی را نشان می‌دهند؛ بال‌ها و پرواز پرنندگان در تعبیر روح به پرنده، نقش مهمی دارد؛ زیرا بال، نماد پرواز، سبکی و خارج شدن از جسم است. پرواز پرنده، در واقع به معنی و مفهوم آزاد شدن روح از اسارت جسم و دنیای خاکی است؛ بنابراین کبوتر، نماد صفا و سادگی و پاکی است و پرواز کبوتر، نماد روحی است که در حال رفتن به معراج است. از ابتدای پیروزی انقلاب و زمان جنگ، از کبوتر قرمز، یا کبوتری که قطرات خون از پرو بالش می‌چکد، برای بیان معراج روح شهدا استفاده شده است.

۹- عقاب؛ در لغت‌نامه‌ی دهخدا آمده است: «عقاب پرنده‌ای است شکاری که بسیار جسور و پرجرات است و شجاعت و قدرت مخصوصی دارد و ایرانیان آن را مظهر قدرت می‌دانند.» (دهخدا، ذیل عقاب).

۱۰- باز؛ باز پرنده‌ای است که به شکارچی بودن معروف است.

۱۱- پروانه؛ پروانه به ایثار و وفا و سوختن در راه معشوق زبانزد است.

۱۲- آهو؛ در فرهنگ دهخدا به زیرکی و باهوشی و تندروی معروف است. یکی از ویژگی‌های این حیوان، نحوه‌ی رمیدن و سرعت حرکت آن است.

۱۳- شیر؛ شیر در فرهنگ فارسی، نماد عظمت، قدرت، دلیری، عدالت و قانون است.

۱۴- کفتار؛ در فرهنگ فارسی و لغت‌نامه دهخدا، کنایه از نماد زشتی، نحسی و پلشتی

است و همچنین نماد انسان پستی است که به سادگی گول و فریب دیگران می‌خورد.

۱۵- شغال؛ در فرهنگ لغت شغال، مظهر مکر و فریب است.

یکی از تجربیات اساسی انسان در زندگی، تعامل با حیوانات بوده است؛ به همین سبب در فرهنگ‌های مختلف جهان، حیوانات نقش حوزه‌ی مبدأ را به عهده دارند. البته نحوه‌ی تفسیر یا تلقی حیوانات در فرهنگ‌های مختلف، فرق می‌کند که این امر برخاسته از نحوه‌ی متفاوت تعامل با حیوانات و نقش متفاوت آنها در زندگی است. در ادامه خصوصیت به‌کار رفته‌ی آنها در این گفتمان به تفکیک نیروهای دشمن و نیروهای خودی آورده شده است:

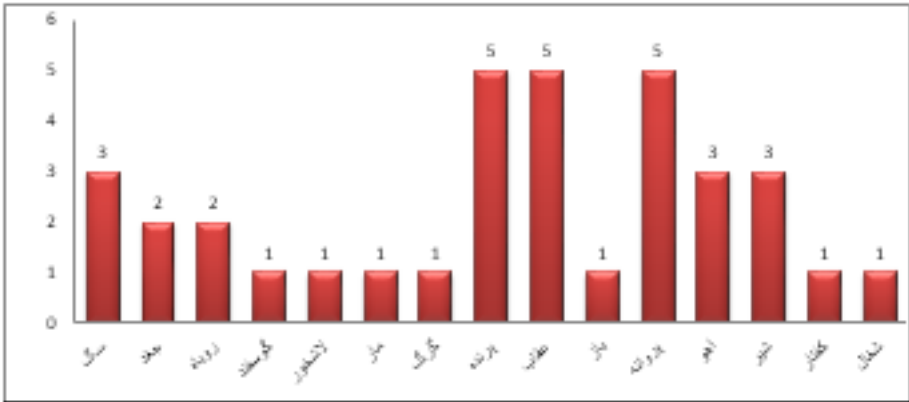
جدول (۳) استعاره‌ی حیوانات در روایت‌های زنانه

ردیف	استعاره	فراوانی	مثال
۱	سگ	۳	سپیده سرزده بود و به‌وضوح می‌توانستم سگ‌هایی را که در (منطقه می‌گشتند ببینم) سپهری، ۱۳۹۲: ۳۴۱

۲	جغد	۲	جنگ همانند جغدی شوم بر سرم آوار شد(سپهری، ۱۳۹۱: ۵۴)
۳	روباه	۲	(این روباهان مکار پنجه در پنجه شیران افکنده است.(همان: ۱۰۲)
۴	گوسفند	۱	به هر طرف که این جوانان حمله می‌کردند گله گوسفند (عراقی‌ها) از جلوی آنها فرار می‌کرد(ضرابی، ۱۳۹۰: ۱۵۲)
۵	لاشخور- کرکس	۱	با آن آرامی توی دهانش به نظرم یک لاشخور می‌آمد.(سپهری، ۱۳۹۱: ۳۹۶)
۶	مار	۱	وقتی آن صف مارپیچ را دیدم دادم در آمد(سپهری، ۱۳۹۱: ۲۳۲)
۷	گرگ	۱	بچه‌ها در کنار خاک‌ریز روی زمین افتاده‌اند و گرگ‌ها به آنها حمله‌ور شده‌اند.(همان: ۳۵۸)
۸	پرنده	۵	پرنده آهنی بلند شد(سپهری، ۱۳۹۱: ۲۳۲)
۹	عقاب	۵	عقابان تیزپرواز(هوانیروز) (سپهری، ۱۳۹۱: ۸۱)
۱۰	باز	۱	این بازان شکاری (هوانیروز) بودند که تک‌تک تانک‌ها را شکار می‌کردند(همان: ۹۶)
۱۱	پروانه	۵	همگی پروانه‌وار گرد شهید چرخیدند(حسینی، ۱۳۸۷: ۴۷۰)
۱۲	آهو	۳	دخترک همچون آهوئی گریزپا، از مقابل چشم دشمن ناپدید شد(همان: ۱۲۵)
۱۳	شیر	۳	این شیر بیشه نبرد صفحات تاریخ مبارزه کفر و ایمان را رنگین کرد(سپهری، ۱۳۹۲: ۱۸۱)
۱۴	کفتار	۱	از رزم بی‌درنگ کفتارها گریزان بود.(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۶)
۱۵	شغال	۱	در کمین گل این باغ شغالان نفاق(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۶)

در جدول بالا مشاهده شد که از نام نه(۹) حیوان برای نشان دادن رذایل دشمن استفاده شده است که همه این حیوانات با بار منفی، برای نشان دادن رذایل پست دشمن و نمایان ساختن جنبه حیوانی آنها به کار رفته است و در نقطه مقابل آن، برای اشاره به نیروی خودی، فقط از نام شش حیوان با بار مثبت برای نشان دادن فضایل رزمندگان و نیروهای خودی استفاده شده است. همچنین استعاره هسته یا کلان استعاره در این حوزه برای اشاره به نیروی خودی «رزمندگان پرنده‌اند» و برای اشاره به نیروی دشمن «دشمن حیوان(جنبه حیوانیت) است.» می‌باشد که بیشتر دیگر استعاره‌ها در این حوزه، پیرامون این استعاره‌های هسته می‌باشند. با توجه به بررسی انجام شده، فراوانی کاربرد استعاره

حیوانات در داستان‌هایی با روایت زنانه ۳۵ مورد می‌باشد که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره (عقاب، پروانه و پرنده برای نیروهای خودی) می‌باشد. نمودار (۳) نمودار فراوانی کاربرد استعاره حیوانات در زنان



۲-۴- استعاره‌ی اعتقادات مذهبی

استعاره‌های مفهومی در اعتقادات مذهبی نقش مهمی دارند. این استعاره‌ها و نمادها برای انتقال ارزش‌ها، مفاهیم، و اعتقادات مذهبی به کار می‌روند. آنها می‌توانند مفاهیم پیچیده را به صورت تصویری و زبانی ساده‌تر نمایش دهند و برای افرادی که در فرهنگ و زبان مذهبی خاصی بزرگ شده‌اند، قابل درک تر باشند. استعاره‌ها در مفاهیم دینی و مذهبی عمیقاً ریشه دارند و به وسیله آنها، افراد می‌توانند احساسات، ارزش‌ها، و مفاهیم پیچیده مذهبی را بهتر درک کنند و با آنها ارتباط برقرار کنند. تصاویر برگرفته از رزمندگان و میدان نبرد، تصویر مذهبی است که ریشه در باورهای اعتقادی و دینی دارد. در بیشتر تصاویر جبهه و جنگ، به‌نوعی میان حادثه کربلا و میدان جنگ، ارتباط برقرار شده است. رزمندگان به‌صورت حضرت اسماعیل به تصویر کشیده شده است و گاهی رزمندگان خود را سرباز رسول‌الله و فرزند اسلام به حساب آورده‌اند. در بعضی از استعاره‌ها، تأثیر فرهنگ مهدویت دیده می‌شود. از جمله افتخار سرباز امام زمان (عج) و همچنین یار و پیرو او بودن که باعث حضور بیشتر رزمندگان در جبهه‌ها شده است.

باورهای دینی رزمندگان را باید از مهم‌ترین و اساسی‌ترین عوامل معنوی و فرهنگی تأثیرگذار در جبهه دانست؛ و این باورهای دینی در انگیزه‌ها، خواسته‌ها، مسئولیت‌ها، ارزش‌های اخلاقی و رفتارشان تأثیر گذاشته بود؛ و به آنها انگیزه شرکت داوطلبانه در جنگ را می‌داد و باعث می‌شد که نگاه آنها به مرگ متفاوت باشد. در جدول زیر به انواع

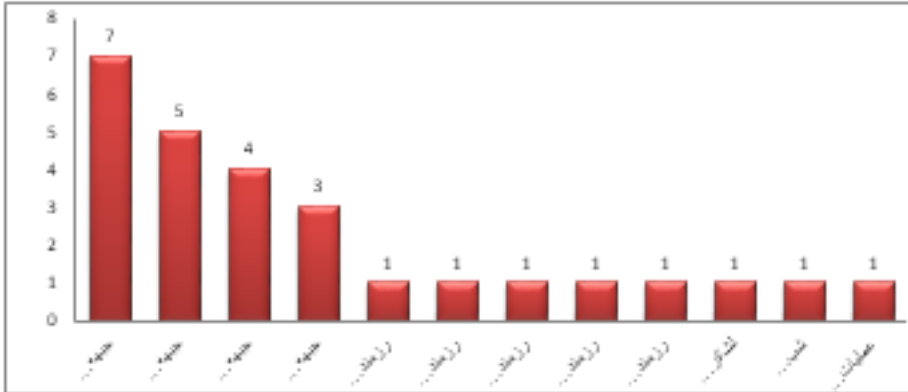
استعاره‌های این حوزه اشاره شده است.

جدول (۴) استعاره اعتقادات مذهبی در روایت‌های زنانه

ردیف	استعاره	فراوانی	مثال
۱	جبهه کربلاست.	۷	هر کس سر کربلایی شدن را داشته باشد با درنگ بیگانه است (سپهری، ۱۳۸۰: ۱۸۳)
۲	جبهه زیارتگاه است.	۵	آدم تا بچه‌های خط را زیارت کنم (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۳۸)
۳	جبهه عبادتگاه است.	۴	بچه‌ها در عبادتگاه خود سجده شکر به جا آوردند (ضرابی زاده، ۱۳۹۸: ۳۸)
۴	جبهه قربانگاه است.	۳	اسماعیلی به قربانگاه راهی می‌شود و مادری داغدار فرزند (سپهری، ۱۳۸۴: ۸۳)
۵	رزمندگان اسماعیل‌ها هستند.	۱	اسماعیل به قربانگاه رسید (حسینی، ۱۳۸۷: ۴۷)
۶	رزمندگان سربازان امام زمان هستند.	۱	این یاوران صاحب‌الزمان در... (سپهری، ۱۳۹۸: ۱۶۹)
۷	رزمندگان یاران امام حسین هستند.	۱	بعضی از شماها امشب به یاران حسین بن علی خواهید پیوست (ضرابی زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۱)
۸	رزمندگان سربازان رسول‌الله هستند.	۱	تاریخ تکرار می‌شود و سپاه پرتوان محمد به‌سان فتح مکه برای فتح دیگری به میدان آمده است (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۴)
۹	رزمندگان فرزندان اسلام هستند.	۱	فرزندان اسلام این وظیفه تک‌تک شماست ... (سپهری، ۱۳۹۸: ۲۴۲)
۱۰	لشکر دشمن، لشکر یزید است.	۱	صحنه عاشورا بود ایمان پولادین می‌خواهد تا در مقابل یزیدیان بایستی (سپهری، ۱۳۸۴: ۲۸)
۱۱	شب عملیات شب حنابندان است.	۱	امشب برای رزمندگان شب حنابندان است که ... (ضرابی زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۶)

۱۲	عملیات و حمله سفینه نجات هستند.	۱	در عملیات فردا برادرانمان به سفینه النجاه داخل می‌شوند (حسینی، ۱۳۸۷: ۴۴)
	مجموع	۲۷	

نمودار (۴) نمودار فراوانی کاربرد استعاره اعتقادات مذهبی در زنان



۲-۵- آموزش و مدرسه

در بررسی داده‌ها مشاهده شد که در تعدادی از استعاره‌ها از مدرسه و مبحث آموزش به‌عنوان حوزه مبدأ استفاده شده است. در این مدرسه، شهادت، نشانه قبولی آن‌ها در امتحان می‌باشد، زخمی شدن و تیر خوردن، نشان افتخار و کسب مدرک است، اینکه در خط پدافندی بمانند و به خط مقدم اعزام نشوند. بدترین جریمه برای شاگردان این مکتب است که همه این‌ها نشان می‌دهد که نویسندگان در آثار خود، جبهه را وسیله امتحان الهی می‌دانند که قبولی و موفقیت در آن مهم است و نهایت آرمان آن‌ها، رسیدن به لقای اوست که با این نگاه به مرگ، شرکت در جنگ و میدان نبرد، هدف و آرمان می‌شود و با ایجاد این فضا برای شرکت در جنگ در افراد ایجاد انگیزه می‌کنند.

جدول (۵) استعاره آموزش و مدرسه در روایت‌های زنانه

ردیف	استعاره	فراوانی	مثال
۱	جبهه مدرسه است.	۸	چطور کریم و دوستعلی که هم سن من بودند، توانستند بروند جبهه ولی من قبول نشدم؟ (سپهری، ۱۳۹۲: ۱۵)

۲	خداوند معلم است.	۷	همه چیز اینجا، از تعالیم خداوند است. (ضرابی، ۱۳۹۰: ۲۵۸)
۳	عملیات امتحان نهایی است.	۵	منصور تا آن روز در صحنه‌های مختلف به خوبی امتحانش را پس داده بود. (سپهری، ۱۳۹۲: ۴۰۶)
۴	شهادت قبولی در امتحان است.	۵	تا مهر شهادت در کارنامه ما زده شود. (همان: ۴۰۸)
۵	زخمی شدن و تیر خوردن مدرک افتخار است.	۱	پای مصنوعی دایم‌ام نشان افتخار اوست. (سپهری، ۱۳۹۲: ۷۹)

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده شد از ویژگی‌ها و اصطلاحات مربوط به گفتمان مدرسه و آموزش به‌عنوان حوزهٔ مبدأ در گفتمان جنگ استفاده شده است و اصطلاحاتی مثل؛ معلم، شاگرد، آموزش، تنبیه، تشویق، نمرهٔ قبولی و ردی و اخذ مدرک و فارغ‌التحصیل شدن در گفتمان جنگ به کار رفته است. استعارهٔ: میدان جنگ مدرسه یا مکتب است. جزء استعاره‌های هسته یا کلان استعاره می‌باشد که دیگر استعاره‌ها در این حوزه، پیرامون آن قرار دارند. با توجه به بررسی انجام شده، فراوانی کاربرد استعارهٔ آموزش و مدرسه در داستان‌هایی با روایت زنانه ۲۶ مورد می‌باشد که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره (جبهه مدرسه است.) می‌باشد.

نمودار (۵) نمودار فراوانی کاربرد استعاره آموزش و مدرسه در زنان



۲-۶- تجارت و معامله

تجارت و معامله به عنوان استعاره‌های مفهومی، نمادی از تبادل، تعامل و روابط اجتماعی در جوامع انسانی است. این استعاره‌ها به عنوان نمادهایی برای ارتباطات اقتصادی و انسانی به کار می‌روند و ایده تبادل کالاها، خدمات، و یا حتی ایده‌ها را نشان می‌دهند. تجارت به عنوان استعاره مفهومی می‌تواند نمایانگر تبادل دوسویه باشد که در آن افراد یا جوامع به منظور به دست آوردن چیزی که ندارند، چیزی را که دارند را با دیگران به اشتراک می‌گذارند. این نماد تعاملات انسانی را نشان می‌دهد که به وسیله تجارت، روابط اجتماعی و اقتصادی را برقرار می‌کنند.

معامله نیز به عنوان استعاره مفهومی ممکن است نمایانگر توافق، دستیابی به توازن یا حتی رضایت مشترک باشد. این استعاره به مفهوم یافتن یک توافق یا تعهد میان دو یا چند طرف اشاره دارد که به منظور بهبود وضعیت‌های مختلف یا برقراری تعامل، یکدیگر را توجه و تبادل می‌کنند.

استفاده از این استعاره‌های مفهومی در مفاهیم مختلف ادبیات، فلسفه و حتی زبان به انسان‌ها کمک می‌کند تا فرآیندهای پیچیده و گاهی غیرقابل مشاهده اقتصادی و اجتماعی را به شکلی ساده‌تر و قابل فهم‌تر درک کنند.

در گفتمان جنگ نیز از مفاهیم مربوط به تجارت استفاده شده است. در بررسی داده‌ها مشاهده شد که جنگیدن و رفتن به جبهه با توجه به هزینه‌ها و سودهای اقتصادی و تجاری بیان شده است که در این معامله فروشندگان رزمندگان جبهه هستند و طرف خریدار خداوند است و کالای مورد معامله جان رزمنده می‌باشد که بهای عرضه این کالا به دست آوردن بهشت و شهادت است.

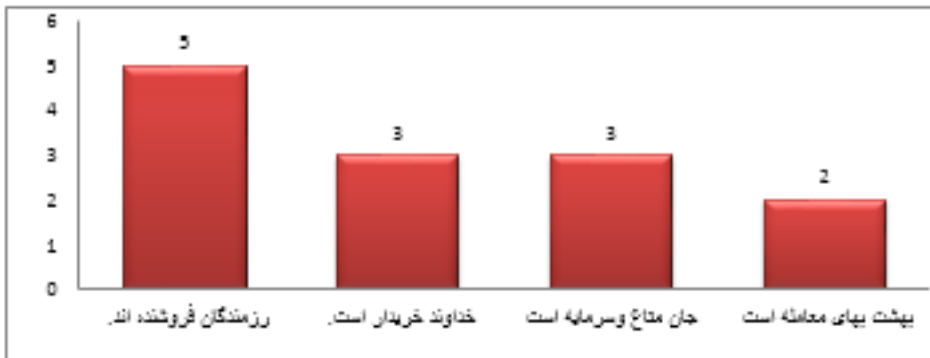
جدول (۶) استعاره تجارت و معامله در روایت‌های زنانه

ردیف	استعاره	فراوانی	مثال
۱	رزمندگان فروشنده‌اند.	۵	رزمندگان اسلام جان خود را به بهایی ابدی می‌بخشند (سپهری، ۱۳۸۴: ۷۲)
۲	خداوند خریدار است.	۳	زهره جان خداوند خریدار جان آن‌هاست (ضرابی زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۷)
۳	جان متاع و سرمایه است.	۳	آنها جان برکف به سوی خدا رفتند (سپهری، ۱۳۸۴: ۱۰)

۴	بهشت بهای معامله است.	۲	جانشان را به بهای بهشت برای کشور فدا کردند(حسینی، ۱۳۸۷: ۳۶)
	مجموع فراوانی	۱۳	

در جدول بالا مشاهده شد که گفتمان جنگ را با گفتمان معاملات اقتصادی و تجاری مانند کرده‌اند که طرفین معامله، خداوند و رزمندگان اسلام می‌باشند و نیروی دشمن متضرر است. استعاره هسته در این حوزه، استعاره: «میدان نبرد میدان معامله است.» می‌باشد که دیگر استعاره‌ها در این حوزه، پیرامون آن می‌باشند. با توجه به بررسی انجام شده، فراوانی کاربرد استعاره تجارت و معامله در داستان‌هایی با روایت زنانه ۱۳ مورد می‌باشد که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره (رزمندگان فروشنده‌اند) می‌باشد.

نمودار (۶) نمودار فراوانی کاربرد استعاره تجارت و معامله در زنان



۲-۷- ورزش و بازی

اصطلاحات ورزشی در گفتگوی روزمره ما بسیار رایج است به طوری که ممکن است ما حتی از اینکه در حال استفاده از آنها هستیم، آگاه نباشیم. در بررسی داده‌ها مشاهده شد که در مواردی از اصطلاحات ورزشی به عنوان استعاره در گفتمان جنگ استفاده شده است و میدان نبرد، میدان ورزش‌های متفاوت در نظر گرفته شده است. هر ورزشی ویژگی‌های مشخصی دارد که از آنها برای اهداف استعاری در گفتمان جنگ استفاده شده است که در جدول زیر به انواعی از فعالیت‌های ورزشی که به عنوان حوزه مبدأ در استعاره‌ها استفاده

شده است، اشاره می‌شود.

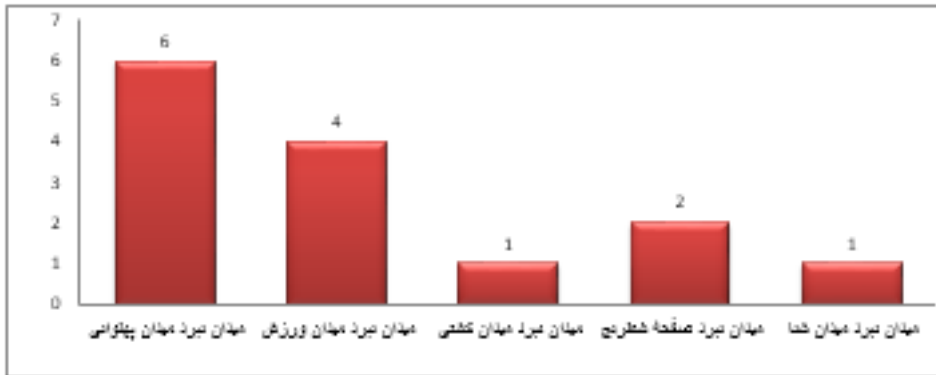
جدول (۷) استعاره ورزش و بازی در روایت‌های زنانه

ردیف	استعاره	فراوانی	مثال
۱	میدان نبرد میدان پهلوانی است.	۶	دیروز پهلوان می‌گفت از نوجه‌های من باید شکست درست به نیروهای... (حسینی، ۱۳۸۷: ۶۵)
۲	میدان نبرد میدان ورزش است.	۴	برادرانمان گوی سبقت را ربودند (ضرابی، ۱۳۹۰: ۱۷۳)
۳	میدان نبرد میدان کشتی است.	۱	دیدم حریفم نمی‌شود (سپهری، ۱۳۹۱: ۴۱۳)
۴	میدان نبرد صفحه شطرنج است..	۱	مهره‌های دشمن در حال عقب‌نشینی هستند (حسینی، ۱۳۸۷: ۷۹)
۵	میدان نبرد میدان شنا است.	۱	حس کردم خلبان آن جنگنده‌ای که پایین آمده و بالای سر ما شیرجه رفته درس ما را هدف گرفته است. (سپهری، ۱۳۹۲: ۴۲۱).

نویسندگان مورد بحث، میدان جنگ را میدان قهرمانی و رقابت و مبارزه در نظر گرفته‌اند. همچنین میدان جنگ را صفحه شطرنج دانسته‌اند، مهره‌های سفید (سربازان خودی) به مثابه لشکر نور و مهره‌های سیاه (سربازان دشمن) به مثابه لشکر تاریکی و ظلمت و در واقع جنگ بین این دو، جنگ بین دو لشکر معنوی و مادی است.

در ورزش زورخانه‌ای و باستانی، ورزشکاران با ابزارهای چون تخته‌شنا، میل، کباده... سروکار دارند و در ادبیات جنگ، سربازان میدان جنگ را به ورزشکاران این میدان همانند می‌کنند و ابزار آلات جنگی را به ابزارهای ورزشی زورخانه مانند کرده‌اند. از ورزش کشتی و شنا هم به صورت استعاری به‌کاررفته است. در این حوزه، استعاره هسته یا کلان استعاره مشاهده نشد. با توجه به بررسی انجام شده، فراوانی کاربرد استعاره ورزش و بازی در داستان‌هایی با روایت زنانه ۱۳ مورد می‌باشد که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره (میدان نبرد میدان پهلوانی است) می‌باشد.

نمودار (۷) نمودار فراوانی کاربرد استعاره ورزش و بازی در زنان



۳- نتیجه‌گیری

بررسی پژوهش بیانگر آن است که نویسندگان دفاع مقدّس با توجه به حوادث و رویدادهای گوناگون و شرایط سخت دوران جنگ از استعاره‌های مفهومی زیادی در نوشته‌های خود استفاده نمودند که در این پژوهش، تعدادی از آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد با توجه به بررسی انجام شده، فراوانی کاربرد استعاره، کاربرد اعضای بدن در داستان‌هایی با روایت زنانه ۸۷ مورد دارای بیشترین بسامد می‌باشد که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره (دست و آغوش) است. در گفتمان جنگ، جان‌بخشی و تشخیص یکی از ابزارهای استعاره می‌باشد و با توجه به بررسی انجام شده، فراوانی کاربرد استعاره جان‌بخشی در داستان‌هایی با روایت زنانه ۵۹ مورد می‌باشد که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره (گلوله) می‌باشد و همچنین با بررسی انجام شده، فراوانی کاربرد استعاره حیوانات در داستان‌هایی با روایت زنانه ۳۵ مورد می‌باشد که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره (عقاب، پروانه و پرنده برای نیروهای خودی) است. با توجه به بررسی انجام شده، فراوانی کاربرد استعاره کاربرد اعضای بدن در داستان‌هایی با روایت زنانه ۲۷ مورد است که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره (جبهه کربلا است) می‌باشد. با توجه به بررسی انجام شده، فراوانی کاربرد استعاره آموزش و مدرسه در داستان‌هایی با روایت زنانه ۲۶ مورد می‌باشد که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره (جبهه مدرسه است)، است و فراوانی کاربرد استعاره آموزش و مدرسه در داستان‌هایی با روایت زنانه ۲۶ مورد کاربرد داشته که بیشترین فراوانی آن، استعاره (جبهه مدرسه است)، است. فراوانی کاربرد استعاره تجارت و معامله در داستان‌هایی با روایت زنانه ۱۳ مورد است که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره

رزمندگان فروشنده‌اند) است و فراوانی کاربرد استعاره ورزش و بازی در داستان‌هایی با روایت زنانه ۱۳ مورد می‌باشد که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره (میدان نبرد میدان پهلوانی است) می‌باشد.

منابع

- ۱- اولیایی، کوثر (۱۳۹۰). بازتاب جنگ هشت ساله در خاطرات زنان ایرانی در دوره پسا جنگ بر مبنای رویکرد شناختی لیکاف، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران: دانشگاه الزهراء.
- ۲- جوادی یگانه، محمدرضا و صفی، محمدعلی (۱۳۹۲). «روایتی زنانه از جنگ: تحلیل گفتمان کتاب دا». نقد ادبی، سال ۶، ش ۲۱، صص ۸۵-۱۱۰.
- ۳- حسینی، سیده زهرا (۱۳۸۷). دا، تهران: سوره مهر.
- ۴- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۵). لغت‌نامه. تهران: امیرکبیر.
- ۵- سپهری، معصومه و غیور موسی (۱۳۹۸). نورالدین پسر ایران: خاطرات سید نورالدین عافی، تهران: انتشارات سوره مهر.
- ۶- سپهری، معصومه (۱۳۸۰). لشکر خوبان، خاطرات مهدی قلی رضایی، تهران: سوره مهر.
- ۷- شریف پور، عنایت‌الله و لشکری، فاطمه (۱۳۸۹). «بررسی نقش زنان در چند داستان کوتاه دفاع مقدس»، نشریه ادبیات پایداری، ش ۲، صص ۱۶۹-۱۸۸.
- ۸- ضرابی زاده، بهناز (۱۳۹۰). دختر شینا، تهران: سوره مهر.
- ۹- علیزاده، ناصر و روحی کیاسر، اعظم (۱۳۹۷). «استعاره‌های مفهومی در شعر دفاع مقدس». مجله ادبیات پایداری. دوره ۱۰، ش ۱۸، صص ۲۴۵-۲۶۵.
- ۱۰- فراگردی، عصمت و استاجی، اعظم (۱۳۹۱). بررسی استعاره از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی در ادبیات داستانی جنگ ایران و عراق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۱- فراگردی، عصمت؛ استاجی، اعظم و شریفی، شهلا (۱۳۹۷). «بررسی استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در ادبیات دفاع مقدس»، نشریه ادبیات پایداری، دوره ۱۰، شماره ۱۸، صص ۱-۲۴.
- ۱۲- قبادی، مطهره و خان محمدی، فاطمه (۱۳۹۸). «استعاره مفهومی در دو رمان مرتبط با دفاع مقدس». فصلنامه پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی. ش ۳۶، صص ۹۵-۱۱۶.

- ۱۳- کوچش، زلتن (۱۳۹۳). **مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره**. ترجمه شیرین پور ابراهیم. تهران: سمت.
- ۱۴- لیکاف، جورج، جانسون، مارک (۱۳۹۹). **استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم**، ترجمه آقابراهیمی، هاجر، تهران، نشر علم.
- ۱۵- معروف، مجتبی (۱۳۹۵). «استعاره‌های مفهومی شهید و شهادت در شعر دفاع مقدس»، **همایش ملی ادبیات پایداری**. دانشگاه گیلان، رشت.
- ۱۶- محمودی، فرزانه (۱۳۹۱). «بررسی معناشناختی استعاره‌ی زمان در داستان‌های کودک به زبان فارسی»، **فصلنامه علمی پژوهشی نقد ادبی**، ش ۱۹، صفحه ۱۳۵-۱۵۶.
- ۱۷- مقدادی، صدیقه سادات؛ زمردیان، رضا؛ مشکوه‌الدینی، مهدی و استاجی، اعظم (۱۳۹۰). «بازنمایی نقش زنان در ادبیات جنگ برای کودک از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی»، **مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان**، دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۵، صص ۴۷-۶۹.
- ۱۸- وی ویان اونز، ملانی گرین (۱۳۹۸)، **زبان‌شناسی شناختی**، مقدمه ادینبورگ، ترجمه میرزابیگی، جهان‌شاه، انتشارات دانشگاه ادینبورگ.
- 19-Herman, D. (2000). "Review of Monika Fludernik, Towards a 'Natural Narratology'". **Language**. 76(2000): 199_200.
- 20-Lederach, J.P. (1995). **Plant Metaphors in English Economic Newspaper Texts**. Oxford: Oxford university press.
- 21-Talmy, Leonard (2000). **Toward a Cognitive Semantics**. Vol. I: Concept Structuring Systems and Vol. II: Typology and Process in Concept Structuring. Cambridge, MA: MIT Press.